

امکان‌سنجی آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام

بهزاد معصومی*

حسین مهدی زاده**

خدیدجه معصومی***

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف امکان‌سنجی آموزش مهارت‌های کسب‌وکار بر اساس مدل KAB در بین دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام صورت گرفته است. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و روش گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ است که تعداد آن‌ها برابر با ۱۰۵۳ نفر است و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۱۸۹ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۵ سؤالی مبتنی بر طیف پنج ارزشی لیکرت از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵ استفاده شد. برای تعیین روایی پرسشنامه، از روایی محتوایی استفاده شد. همچنین، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ «۰/۹۰» ارزیابی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان آمادگی دانشجویان (میانگین=۲,۳۲)، اساتید (میانگین=۲,۲۷)، برنامه درسی (میانگین=۱,۹۱) و زیرساخت‌های دانشگاه (میانگین=۲,۰۵) برای امکان آموزش مهارت‌های کسب‌وکار بر اساس مدل KAB در بین دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام کمتر از حد متوسط و میانگین فرضی (۳ از ۵) قرار دارد ($P < 0.01$). از آنجایی که آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی در کشور است، به مسئولان آموزش عالی توصیه می‌شود که در خصوص سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های منظم برای راه‌اندازی و تقویت هرچه بیشتر دوره‌های رسمی و غیررسمی کارآفرینی به‌منظور گذر دانشجویان آموزش عالی از کارجویی به کارآفرینی، توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: امکان‌سنجی، مهارت‌های کسب‌وکار، مدل KAB، دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام.

* کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، مدرس دانشگاه پیام‌نور سربله ایلام، Email: behzad.masoumi@yahoo.com
** استادیار، دانشگاه ایلام.

*** کارشناس ارشد تربیت بدنی، مدرس دانشگاه پیام‌نور ایلام.

دریافت مقاله: ۹۵/۰۱/۲۶ تصویب نهایی: ۹۵/۰۴/۱۹

مقدمه

افزایش جمعیت در کشورهای در حال رشد، به کاهش منابع و امکانات موجود و پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید در این کشورها منجر شده که همگی توجه نهادها و مقام‌های مسئول را به این نیازها و چاره‌اندیشی بنیادین یا مقطعی به خود معطوف داشته است. بنا به بررسی‌های انجام‌شده و بر اساس آمارهای موجود یکی از مهم‌ترین مشکلات فرا روی جوامع در حال توسعه و حتی کشورهای صنعتی مشکل بیکاری است. مجموعه راه‌حل‌هایی که برای رفع این مشکل جهانی ارائه شده است اصطلاحاً «کارآفرینی» خوانده می‌شود. کارآفرینی به‌عنوان مهم‌ترین سلاح پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای در توسعه اقتصادی جوامع داشته باشد. از این رو، کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به مزیت‌های رقابتی و حل مسائل و مشکلات عمومی جامعه مانند بیکاری و نظایر آن ملزم به توسعه کارآفرینی هستند (کوراتکو^۱، ۲۰۰۳). برنامه‌های آموزش کارآفرینی مقدمه مهمی است که کشورهای پیشرفته در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی به آن توجه جدی مبذول داشته و پرورش کارآفرینان را در اولویت برنامه‌های توسعه خود قرار داده‌اند. مهم‌ترین اقدام برای توسعه کارآفرینی در این کشورها، آموزش کارآفرینی در بین نیروهای جوان و تحصیل‌کرده آموزش عالی است. مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های پرورش کارآفرینان در کشورهای مختلف با سیاست‌گذاری و پشتیبانی دولت‌ها به سرانجام رسیده است. در کشور ایران مسئله اشتغال و موازنه آن با نیروی انسانی^۳ آماده‌به‌کار از مسائل حیاتی کشور است و به همین دلیل اهمیتی که در توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد، از عمده‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه به‌شمار می‌آید و آموزش‌های مؤثر برای کسب مهارت‌های موردنیاز را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و نیز به ارتباط نزدیک بین دانشگاه و بازار کار اهمیت بخشیده است (اسنل^۴، ۲۰۰۳). پس از روشن شدن اهمیت کارآفرینی، ضرورت توجه و تربیت افراد غیر کارآفرین و آموزش کارآفرینی به آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. آموزش کارآفرینی سیاستی است که به‌طور مستقیم در کمیت و کیفیت عرضه کارآفرین در یک جامعه اثر می‌گذارد. سیاست‌گذاران بر این باورند که افزایش سطح کارآفرینی می‌تواند از طریق آموزش کارآفرینی صورت

-
1. Entrepreneurship
 2. Kuratko
 3. Manpower
 4. Snell

پذیرد به طوری که این آموزش در برنامه‌های درسی بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا گنجانده شده است و فرض اصلی این است که مهارت‌های کارآفرینی قابل آموزش هستند و این مهارت‌ها جزء ویژگی‌های افراد به صورت ذاتی نیست (هسلو و میرجموان^۱، ۲۰۱۰). بنابراین، می‌بایست دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در راستای نیل به توسعه اقتصادی با بهره‌گیری از راهبردهای آموزشی مؤثر، انگیزه و صلاحیت‌های لازم را در دانشجویان ایجاد کنند تا از این طریق، دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها ضمن اینکه توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم را برای کسب‌وکار به دست آورند، همچنین به کارآفرینان کلیدی و نوآور جامعه تبدیل شوند و در نهایت بخشی از مشکلات مربوط به بیکاری فارغ‌التحصیلان برطرف گشود (جانسن^۲، ۲۰۰۱).

دانشگاه‌ها و سایر نهادهای تولیدکننده دانش، به عنوان تولیدکننده نیروی محرکه رشد اقتصادی در آینده، نقش‌های بیشتر و پر رنگ‌تری را ایفا می‌کنند (ولف^۳، ۲۰۰۲). این امر در صورت تحول دانشگاه از فضای سنتی که وظیفه خود را تحقیق و تدریس می‌دانست به دانشگاه کارآفرین امکان‌پذیر می‌باشد. در ایران با عنایتی که برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به موضوع کارآفرینی داشته است، تصویب طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور صورت گرفت که به فعالیت‌هایی در سطح برخی از دانشگاه‌های کشور منجر شده است (زارع یکتا، ۱۳۸۷). از این رو، فعالیت‌های آموزشی برای تربیت کارآفرینان در دستور کار بسیاری از مراکز آموزش کارآفرینی در ایران قرار گرفته است؛ چراکه لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است. همچنین، با توجه به تأکید دولت در برنامه پنجم توسعه کشور مبنی بر توانمندسازی و خروج سالانه ده درصد از افراد دارای قابلیت بازتوانی از چرخه حمایت، می‌بایست آموزش کارآفرینی به افراد محروم و فقیر جامعه، برای اجرای عدالت و کاهش فقر مورد توجه روزافزون دولت مردان قرار گیرد.

KAB^۴ یک برنامه آموزش کارآفرینی است که در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ در نتیجه طرح آموزش فنی و حرفه‌ای سازمان جهانی کار به وجود آمد. از آن زمان به بعد این برنامه به بیست زبان ترجمه و در بیش از چهل کشور اجرا شده است. در حال حاضر کشورها به میزان متفاوتی این برنامه را در سیستم آموزشی خود ادغام نموده‌اند. هدف این برنامه این است که با ارائه و تغییر نگرش، دانش و مهارت کارآفرینی

1. Hesselø & Mirjamvan
2. Jensen
3. wolf
4. Know about business

موردنیاز برای کار، جوانان را برای ورود به کار و راه‌اندازی کسب‌وکار در آینده آماده کند و همچنین ذهنیت و نگرشی کارآفرینانه در آنان ایجاد نماید که در تمامی جنبه‌های زندگی از قبیل جنبه‌های شخصی و حرفه‌ای کاربرد داشته باشد. در ایران، برنامه KAB در ژانویه ۲۰۰۹ توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به صورت پایلوت شروع شد (ریزند و کریستینسن^۱، ۲۰۰۹). نسخه رسمی و بین‌المللی KAB هر دو یا سه سال یکبار به منظور افزودن مطالب و درس‌های آموخته‌شده از اجرای برنامه در سطح ملی، به‌روزرسانی می‌شود. نسخه بازمبانی‌شده این برنامه که شامل جنسیت، ناتوانی و همچنین بخش جدیدی در مورد کارآفرینی اجتماعی می‌باشد، در سال ۲۰۱۰ چاپ شد. در ابتدا برنامه KAB به مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه شد، اما علاوه بر این، تطبیق این برنامه کاربرد آن را برای مؤسسات آموزش عالی و آموزش متوسطه میسر کرد. هدف این برنامه این است که با ارائه دانش و مهارت کارآفرین موردنیاز برای کار، جوانان را برای ورود به کار و راه‌اندازی کسب‌وکار در آینده آماده کند و همچنین ذهنیت و نگرشی کارآفرینانه در آنان ایجاد نماید که در تمامی جنبه‌های زندگی از قبیل جنبه‌های شخصی و حرفه‌ای کاربرد داشته باشد (حقانی و همکاران، ۲۰۱۲). هدف KAB این است که با استفاده از شیوه‌های آموزشی تعاملی و مشارکتی، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ذهنیت‌های کارآفرینانه را در میان مردان و زنان جوان به‌وجود آورد. علاوه بر این بسته KAB خواستار آن است که مردان و زنان جوان را برای کارآفرینی بیشتر در کار و زندگی روزانه آماده کند. در یک مقیاس وسیع‌تر KAB به ایجاد فرهنگ کارآفرینی در میان کشورهای عضو سازمان جهانی کار کمک می‌کند (ریزند و کریستینسن^۲، ۲۰۰۹).

بسته KAB به‌طور مستقیم مربیان مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش متوسطه را در بخش دولتی و خصوصی مورد هدف قرار داده است. علاوه بر این، معلمان و استادان آموزش عالی (دانشگاه‌ها و مدارس پلی‌تکنیک)، مربیان شاغل در بخش توسعه کار، آژانس‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند KAB را آموزش دهند. دانش‌آموزان و کارآموزان مؤسسات فنی و حرفه‌ای و دبیرستان‌ها بارزترین ذی‌نفعان KAB هستند. گروه سنی معمول بین ۱۵ تا ۱۸ سال است، گرچه از آنجا که روش‌شناسی این برنامه برای دانشجویان بسیاری از کشورها تطبیق یافته است این گروه سنی شامل دانشجویان تا سن ۲۵ سال نیز می‌باشد. مردان و زنان جوانی که در برنامه

1. Rezende & Christensen
2. Rezende & Christensen

کارآفرینی KAB شرکت می‌کند، معمولاً تجربه کار یا شرکت ندارند. آن‌ها دارای حداقل ۱۲ سال تحصیلات رسمی هستند که معادل مدرک دیپلم است. تطبیق‌پذیری KAB ارائه این برنامه را در بسیاری از کلاس‌های درس و محیط‌های آموزشی ممکن ساخته است. تأثیر KAB در ایجاد توانایی کارآفرینی، در ادغام آن با سیستم‌های آموزشی مناسب جوانان به‌ویژه در آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش متوسطه قرار دارد. انتظار می‌رود جوانانی که با برنامه KAB آموزش دیده‌اند، نگرش مثبتی نسبت به کارآفرینی پیدا کنند و تمایل بیشتری برای راه‌اندازی کسب‌وکار برای خود داشته باشند. همچنین، محتمل است که در بلندمدت، همان‌طور که زنان و مردان جوان قابلیت اشتغال دستمزدی و همچنین توانایی ایجاد خوداشتغالی ثمربخش یا راه‌اندازی کسب‌وکار خود را افزایش می‌دهند، بیکاری جوانان کاهش یابد. دیگر نتیجه بلندمدت یک فرهنگ شرکتی مثبت است که از تغییر در نگرش کارآفرینانه جامعه ناشی می‌شود (کنانی، ۲۰۱۰).

برنامه KAB حاصل تجربه سازمان جهانی کار در توسعه شرکت و آموزش حرفه‌ای برای جوانان در کنیا در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ است که منجر به ایجاد بسته KAB در سال ۱۹۹۶ شد. وزیر تحقیقات، آموزش فنی و فناوری کاربرد کنیا، با آغاز سیاستی تمامی دانشجویان فنی و حرفه‌ای را به گذراندن یک دوره کارآفرینی ملزم کرد. گرچه نیاز روزافزونی به آموزش کارآفرینی در کشور وجود داشت، هیچ برنامه آموزشی سازمان‌یافته‌ای در این مورد خاص وجود نداشت. برای پاسخ به این تقاضا، بخش اشتغال‌زایی و توسعه شرکت و مرکز آموزش بین‌المللی سازمان جهانی کار با همکاری برنامه‌ریزان درسی و متخصصان توسعه شرکت، اقداماتی برای ایجاد یک برنامه آموزش کارآفرینی برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای صورت دادند و دوره آموزش کارآفرینی KAB ایجاد شد (ریزند و کریستنسن، ۲۰۰۹). در ابتدا KAB به‌صورت آزمایشی در تعدادی از مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای کنیا اجرا شد. معلمان، استادان و مربیان برای ترویج و ارائه برنامه کارآفرینی KAB آموزش دیده بودند. پس از آزمایش این برنامه در دیگر مؤسسات آموزشی کنیا اجرا شد و اکنون با برنامه ملی آموزش حرفه‌ای و پلی‌تکنیک کنیا ادغام شده است. در سال‌های بعد تجربه کنیا دیگر کشورها را به گنجاندن آموزش کارآفرینی در برنامه آموزشی ملی ترغیب کرد و چندین کارگاه آموزش مربیان در مرکز آموزش بین‌المللی سازمان جهانی کار تشکیل شدند. به‌زودی

روش‌شناسی KAB، اغلب به‌عنوان بخشی از پروژه اشتغال جوانان و توسعه شرکت سازمان جهانی کار به دیگر قاره‌ها وارد شد که منجر به گسترش و ترجمه راهنمای KAB به بیش از ۲۰ زبان شد. شبکه شاغلان KAB به‌سرعت در تمامی مناطق گسترش یافت (ریزند و کریستنسن، ۲۰۰۹).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای دسته‌بندی پژوهش‌ها برحسب هدف، پژوهش کاربردی است. همچنین با توجه به اینکه پژوهش حاضر به امکان‌سنجی آموزش مهارت‌های کارآفرینی می‌پردازد، روش اجرایی این پژوهش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ است. طبق آخرین آمار و اطلاعات منتشرشده از سوی دانشگاه ایلام تعداد ۱۰۵۳ دانشجو دوره کارشناسی هستند. نمونه انتخابی با توجه به فرمول کوکران برابر با ۱۸۹ نفر است که از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه انتخاب شد.

در این پژوهش به‌منظور سنجش امکان‌سنجی آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان، برای گردآوری داده‌ها، از مطالعات اسناد مرتبط و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد، این پرسشنامه علاوه بر مشخصات جمعیت‌شناختی شامل ۴۵ گویه و در مجموع شامل ۴ بعد است که میزان آمادگی دانشجویان، اساتید، دانشگاه (زیرساخت فیزیکی، آموزشی و پشتیبانی) و برنامه درسی را نسبت به آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB بر اساس طیف پاسخگویی ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی‌زیاد تا خیلی‌کم می‌سنجد. در خصوص روایی یا اعتبار پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش از روش روایی محتوا استفاده شده است. بدین‌صورت که پرسشنامه موردنظر به ۳ تن از اساتید خبره در این حوزه داده شد و نظرات اصلاحی آنان در این‌باره اعمال شد. برای اینکه پایایی پرسشنامه موردنظر به‌دست بیاید، یک اجرای آزمایشی بر روی دانشجویان به تعداد ۳۰ نفر انجام شد و آلفای کرونباخ آن‌ها محاسبه شد. نتایج خوب محاسبه آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های مورد مطالعه به‌دست‌آمده به شرح ذیل است:

جدول (۱) پایایی ابعاد پرسشنامه

الفای کرونباخ	ابعاد پرسشنامه
۰/۷۲	آمدگی اساتید
۰/۷۷	آمدگی دانشجویان
۰/۸۸	آمدگی دانشگاه (زیرساخت فیزیکی، آموزشی و پشتیبانی)
۰/۸۶	برنامه‌درسی
۰/۹۰	کل پرسشنامه

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر و در گام اول به بررسی افراد مورد مطالعه از لحاظ جنسیت پرداخته‌ایم. از میان ۱۸۹ نفر از دانشجویان مورد مطالعه، ۰,۵۵ مرد و ۰,۴۵ از آن‌ها زن بودند. سایر شاخص‌های توصیفی ویژگی‌های افراد مورد مطالعه نیز نشان داد که اکثریت واحدهای مورد پژوهش از لحاظ وضعیت رشته تحصیلی بیشترین شرکت‌کننده مربوط به رشته مهندسی عمران با ۳۲,۲ و معماری با ۴,۳ درصد می‌باشد. توزیع فراوانی دانشجویان برحسب وضعیت اشتغال شامل ۱۶,۹ درصد از آن‌ها شاغل و ۸۳,۱ درصد از آن‌ها بیکار هستند. همچنین، توزیع فراوانی دانشجویان برحسب متغیر وضعیت وجود فرد تحصیل‌کرده جویای کار ۵۶,۶ درصد از آن‌ها دارای شغل و ۴۳,۴ درصد از آن‌ها بیکار بودند.

۱. تحلیل مربوط به سؤال فرعی اول پژوهش

جدول (۲). نتایج آزمون t جهت مقایسه میانگین میزان آمدگی دانشگاه برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار

شاخص‌ها ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
آمدگی دانشگاه	۲,۰۵	۰,۵۶	-۲۳,۰۴	-۰,۹۴	۱۸۸	۰۰,۰

* توضیح: لازم به ذکر است که در این بررسی با توجه به دامنه نمره‌گذاری سؤالات (بر اساس طیف پنج ارزشی لیکرت از ۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد) و عدد مبنا، میانگین فرضی جامعه ۳ در نظر گرفته شده است.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش مبنی بر "آیا دانشگاه (زیرساخت‌های فیزیکی، آموزشی و پشتیبانی) برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی براساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارد؟" از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که سطح آمادگی دانشگاه برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف آن در حد کم ($0,56 =$ انحراف معیار برآورد، $2,05 =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به طور معنی داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به طور معناداری در حد کمتر از متوسط است ($P \leq 0,01$).

۲. تحلیل مربوط به سؤال فرعی دوم پژوهش

جدول (۳). سنجش میزان آمادگی اساتید برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار

شاخص‌ها ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	سطح معنی داری
آمادگی اساتید	۲,۲۷	۰,۶۷	-۱۴,۶۷	-۰,۷۲	۱۸۸	۰,۰۰

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مبنی بر "آیا اساتید برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارد؟" از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که سطح آمادگی اساتید برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($0,67 =$ انحراف معیار برآورد، $2,27 =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به طور معنی داری از عدد ۳

یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی اساتید دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به‌طور معناداری در حد کمتر از متوسط می‌باشد ($P \leq 0/01$).

۳. تحلیل مربوط به سؤال فرعی سوم پژوهش

جدول (۴) سنجش میزان آمادگی دانشجویان برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار

شاخص‌ها ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
آمادگی دانشجویان	۲,۳۲	۰,۵۲	-۱۷,۶۷	-۰,۶۷	۱۸۸	۰۰,۰

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش مبنی بر "آیا دانشجویان برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارند؟" از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش (جدول شماره ۴) نشان می‌دهد که سطح آمادگی دانشجویان برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($0,52 =$ انحراف معیار برآورد، $2,32 =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به‌طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به‌طور معناداری در حد کمتر از متوسط است. ($P \leq 0/01$).

۴. تحلیل مربوط به سؤال فرعی چهارم پژوهش

جدول (۵). سنجش میزان آمادگی برنامه درسی برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار

شاخص‌ها ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
آمادگی برنامه درسی	۱,۹۱	۰,۶۴	-۲۳,۰۴	-۱,۰۸	۱۸۸	۰۰,۰

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش مبنی بر "آیا برنامه درسی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارد؟" از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش (جدول شماره ۵) نشان می‌دهد که سطح آمادگی برنامه درسی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($۰,۶۴ =$ انحراف معیار برآورد، $۱,۹۱ =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی برنامه درسی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به طور معناداری در حد کمتر از متوسط است ($P \leq ۰/۰۱$).

۵. تحلیل مربوط به سؤال اصلی پژوهش

جدول (۶). سنجش میزان آمادگی برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار

شاخص‌ها ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
امکان‌سنجی آموزش کسب‌وکار	۲/۱۳	۰/۴۴	-۲۶/۹۱	-۰/۸۶	۱۸۸	۰/۰۰

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر "آیا امکان آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام وجود دارد؟" از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش (جدول شماره ۶) نشان می‌دهد که سطح آمادگی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($۰,۴۴ =$ انحراف معیار برآورد، $۲,۱۳ =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون T مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به طور معناداری در حد کمتر از متوسط است ($P \leq ۰/۰۱$).

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول پژوهش "آیا دانشگاه برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارد؟" نتایج این پژوهش نشان داد که سطح آمادگی دانشگاه برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف آن در حد کم (۰,۵۶ = انحراف معیار برآورد، ۲,۰۵ = میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام فاقد زیرساخت‌های کافی برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار است. در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان اظهار داشت که دانشگاه در سال‌های گذشته اولویت خود را به آموزش و پژوهش داده و به کارآفرینی توجه چندانی نکرده است. از سوی دیگر، یکی از عواملی که نقش مهمی در کارآفرینی سازمانی دارد، مدیریت سازمان است. فقدان حمایت مدیر برای حمایت کارآفرینان در سازمان موضوع بسیار مهمی است. اگر مدیریت بتواند فرایندها و رفتارهای مناسبی را در دانشگاه ایجاد کند، دانشجویان می‌توانند در محیط نسبتاً مناسبی فعالیت کنند و به تقویت، اداره و حمایت از ایده‌های خود پردازند. همچنین، تحقق اصول برنامه‌های کارآفرینی، نیازمند شناسایی و علائق مختلف است. دانشگاه کارآفرین به همان میزان که به اصلاح و بهبود ساختارهای کلان و زمینه‌های دانشگاهی و مدیریتی وابسته است، به رشد و ارتقای سطح قابلیت‌های افراد و بروز خلاقیت‌ها و نوآوری آنان نیز بستگی دارد. بنابراین، برای ارتقاء و افزایش آمادگی دانشگاه برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی نیازمند معیارهای چون برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در زمینه شیوه‌های آموزش کارآفرینی برای اساتید، پیش‌بینی انگیزه‌های مادی برای اساتید و دانشجویان کارآفرین، سیاست‌های حمایتی و کمک‌های مالی در زمینه تحقیقات کارآفرینی، سیاست‌های حمایتی تدوین‌شده در زمینه حمایت و پشتیبانی از کارآفرینان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش "آیا اساتید برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارد؟" نتایج این پژوهش نشان داد که سطح آمادگی اساتید برای آموزش مهارت‌های

کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($0,67 =$ انحراف معیار برآورد، $2,27 =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به‌طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی اساتید دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به‌طور معناداری در حد کمتر از متوسط است. در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که افزایش امید به آینده و احساس توانایی برد در مواجهه با تغییرات روزافزون جامعه، از جمله مواردی هستند که به هویت دانشجویان و خودپنداری آنان جهت می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز عزت‌نفس و خودباوری و کارآمدی و کارآفرینی در آنان باشد. این در حالی است که برخی از مدرسین از این نقش مهم خود غفلت می‌کنند و در مسیری متفاوت با غایات آموزشی، به کاهش روحیه و اعتماد به نفس دانشجویان منجر می‌شوند. بیان تجارب موفق، پذیرش دانشجویان به عنوان افرادی مملو از رفتارهای بالقوه، عدم نگرش به آنان به مثابه انسانه ای وامانده و مطرود در نظام‌های آموزش عالی، از جمله مواردی محسوب می‌شوند که می‌توانند بر ترفیع نقش مدرس مؤثر افتند. همچنین عدم تدریس دروس به‌صورت کاملاً تئوریک و عدم انطباق آن با شرایط بومی جامعه و واقعیت‌های پیرامونی محیط کار از سوی استادان، می‌تواند به عنوان عواملی مؤثر بر کاهش روحیه کارآفرینی دانشجویان مؤثر باشند. غفلت از تربیت مدرسینی که متناسب با نظام‌های آموزش عالی آموزش دیده و خود در محیط‌های عملیاتی متناسب با رشته به فعالیت‌های کارآفرینانه دست زده باشند، از جمله موارد قابل تأمل است.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش "آیا دانشجویان برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارند؟" نتایج این پژوهش نشان داد که سطح آمادگی دانشجویان برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($0,52 =$ انحراف معیار برآورد، $2,32 =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به‌طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به‌طور معناداری در حد کمتر از متوسط است. در تبیین

این یافته از پژوهش می‌توان گفت نظام آموزش عالی کشور نتوانسته است در نگرش دانشجویان نسبت به مسائل کارآفرینی اقدام مؤثر و مثبتی به عمل آورد. داشتن نگرش‌های خاص به انجام دادن فعالیت‌های بیشتر در زمینه کارآفرینی به ایجاد شرایط کسب‌وکار موفق منجر می‌شود. بنابراین، از طریق ارائه دوره‌های آموزشی در زمینه کارآفرینی می‌توان بر نگرش کارآفرینانه افراد تأثیر گذاشت و مقاصد رفتاری خاص را در جهت کارآفرینی در آنها ایجاد کرد. فراگیران آموزش‌های کارآفرینی از طریق دریافت حقایق، دانش و اطلاعات در زمینه کارآفرینی و ضرورت و نقش آن در رفع ابهام از آینده شغلی خود، باورهایی را در خصوص کارآفرینی به دست می‌آورند و این باورها همراه با ارزشیابی است که آیا این روش برطرف‌کننده نیازهای شغلی آنها می‌تواند باشد یا خیر؟ بنابراین، پس از شکل‌گیری اجزای شناختی و عاطفی، آمادگی برای عمل بر اساس کارآفرینی در فراگیران شکل می‌گیرد.

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش "آیا برنامه درسی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام آمادگی دارد؟" نتایج این پژوهش نشان داد که سطح آمادگی برنامه درسی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم ($0.64 =$ انحراف معیار برآورد، $1.91 =$ میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به‌طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی برنامه درسی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به‌طور معناداری در حد کمتر از متوسط است. در تبیین یافته‌های این پژوهش، از نظر پژوهشگر دلایل عدم آمادگی برنامه درسی در آموزش مهارت‌های کسب‌وکار در دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام می‌تواند به عدم اثربخشی آموزش کارآفرینی، محتوا و روش‌های آموزش کارآفرینی، عدم تقبل آموزش کارآفرینی در فعالیت‌های دانشگاهی و عدم وجود و توسعه یک چارچوب علمی مشترک در زمینه کارآفرینی در دانشگاه اشاره کرد. از آنجا که هدف از آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها تدوین سیاست‌هایی است که دانشجویان و اعضای هیئت علمی را به این امر تشویق و آنان را در این مسیر مساعدت نماید، عدم کارایی

برنامه‌های آموزشی و درسی در کلیه رشته‌ها و فرایندهای اجرایی آنان نیز در این امر دخیل است.

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش "آیا امکان آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام وجود دارد؟" نتایج این پژوهش نشان داد که سطح آمادگی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB در دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام از منظر ابعاد مختلف در حد کم (۰,۴۴ = انحراف معیار برآورد، ۲,۱۳ = میانگین) بوده و نتایج آزمون t مقایسه میانگین با عدد ثابت نشان می‌دهد که این میزان به‌طور معنی‌داری از عدد ۳ یعنی سطح متوسط طیف لیکرت پایین‌تر است. بنابراین، می‌توان گفت آمادگی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه ایلام برای آموزش مهارت‌های کسب‌وکار به‌طور معناداری در حد کمتر از متوسط است ($P \leq 0/01$).

در نهایت، در تبیین یافته‌های سؤال اصلی پژوهش، پژوهش‌گر معتقد است عوامل چهارگانه مؤثر در امکان آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر اساس مدل KAB یعنی عامل آمادگی دانشگاه، آمادگی اساتید، آمادگی برنامه درسی و آمادگی دانشجویان به حد استاندارد نرسیده است. بنابراین، از نظر پژوهشگر با توجه به وجود بالای نیاز به کارآفرینی در بین دانشجویان و عدم شناخت و آگاهی آنان از این موضوع از سوی دیگر، وجود یک مشکل عمده در سیستم آموزشی آشکار می‌شود که رفع این معضل به شیوه منطقی و ساختارمند می‌تواند امری حیاتی برای رفع بحران بیکاری از سوی مسئولین تلقی شود. از این رو، به عنوان اولین گام برای حرکت به سمت کارآفرینی، افزایش آگاهی و شناخت دانشجویان از مفاهیم اساسی کارآفرینی و کسب‌وکار، طرح توجیهی کسب‌وکار، ارتباطات کسب‌وکار، مفاهیم عمومی مدیریت و سازمان، مباحث حقوقی و قانونی کسب‌وکار، رویه‌ها و استانداردهای حسابداری درون دانشگاه، مکان‌یابی کسب‌وکار، بازاریابی و فروش و مهارت‌هایی همچون خلاقیت و نوآوری، آینده‌نگری، برقراری ارتباطات، کارگروهی، هدف‌گذاری برنامه‌ریزی و غیره می‌تواند در این زمینه بسیار راهگشا باشد. در این راستا ارائه برنامه‌های آموزشی و واحدهای درسی در طول دوره تحصیلی دانشجویان برای آموزش و انتقال مباحث فوق، استفاده از اساتید مجرب و آشنا به حوزه کسب‌وکار، ایجاد امکانات دانشگاهی برای حمایت از کارآفرینان و برگزاری دوره‌های کارآفرینی برای تغییر نگرش دانشجویان امری مناسب و ضروری است.

منابع

ایمانی، م. (۱۳۸۸). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها: چهارچوبی برای برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های کارآفرینی، فصل‌نامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۱ (۱)، صص ۲۷-۳۰.

ربیعی، ع و نیکروش، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل محیطی مؤثر بر توسعه کارآفرینی در کسب و کارهای دانش‌بنیان، دومین همایش ملی پژوهش مدیریت و فناوری.

Kuratko, D. F. (2003). Entrepreneurship education: Emerging trends and challenges for the 21th century.

Snell, L. (2003). When principals can be entrepreneur schools improve. School Reform News: Vol.7, No.11.

Hesselo, Mirjamvan P-Auke I(2010)the impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation, contents lists available at cience direct European Economic.

Wolf, Alison (2002): DOES EDUCATION MATTER? MYTHS ABOUT EDUCATION AND ECONOMIC GROWTH. London: Penguin books.

Jensen, R., & Thursby, M. C. (2001). Proofs and prototypes for sale: the licensing of university inventions. American Economic Review, 91, 240-259.

Rezende , T.L. & Christensen , J. D. (2009). Supporting Entrepreneurship Education: A report on the global outreach of the ILO's Know about Business program, Small Enterprise Program, Job Creation & Enterprise Development Department, International Labor Office, Geneva, September 2009, 10 – 13.

7. Kana'ni, M. (2010). Introducing KAB entrepreneurial package. Bimonthly Journal of Karafarin Nab, July-August. No 18

Haghani, M., et all (2012), The Effect of Know about Business Model on Learners' Entrepreneurial Orientation, International Journal of Management Perspective, Vol.1, No.4 pp. 61-67

Souitaris, Zerbinati, S. & Al-Laham A. (2007), Do entrepreneurship programmes raise entrepreneurial intention of science and engineering students? The effect of learning, inspiration and resources, Journal of Business Venturing, Vol. 22, pp. 566-591.

- Sanchez, J. C. (2010), University training for entrepreneurial competencies: Its impact
- Heinonen, J., & Pikkijoki, S. -A. (2006).An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible? Management development, 80-94.
- Dam, K. v., schipper, M., & runhaar, P. (2009).Developing a competency based framework for teachers' entrepreneurial behaviour. Teaching and Teacher Education, 1-7.
- Bager,T.(2006).Entrepreneurship teaching and in denmark :overview and policies. 1-10.

